

## تکاپوی امنیت منطقه‌ای از رهگذر معاهدات بین‌المللی: تحلیل محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر نادر ساعد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۸/۵

صفحات مقاله: ۴۵-۷۷

### چکیده

در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی به‌منظور پایه‌ریزی و مدیریت امنیت جمعی شکل گرفته است که هر یک، بر پایه اصول و اهداف راهبردی خاصی استوارند. در این میان، کشورمان که همواره نسبت به تحولات محیط منطقه‌ای و تأثیرات امنیتی آن رویکرد مذاقه و پایش منظم داشته و حتی خود پیشنهاد دهنده الگویی بومی برای امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی بوده، اما این اقدامات به‌تعمین دقیق وضعیت کشورمان در قبال ساختارهای حقوقی و سازمانی امنیت منطقه‌ای منتهی نشده‌است. در این تحلیل، وضعیت معاهدات و سازمان‌های امنیت منطقه‌ای در محیط پیرامون کشورمان بررسی و ارزیابی می‌شود.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

امنیت منطقه‌ای، معاهدات بین‌المللی، محیط امنیتی، گوآم، سازمان معاهده امنیت جمعی، سازمان همکاری شانگهای

۱ - دکترای حقوق بین‌الملل؛ مدیر گروه صلح مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی.

## مقدمه

تأمین و تضمین نظم در مجموع مناسبات اجتماعی و مقابله با تهدیدهای فراروی آن،<sup>۱</sup> کار ویژه و اصلی‌ترین دل‌مشغولی دولت‌هاست، به‌طوری که ممارست و تکاپو در راستای آن امری مداوم است که نه تنها تعریف و تبیین مفهوم‌شناختی حاکمیت و اقتدار عمومی نیز از جمله در پرتو آن صورت می‌گیرد، بلکه همه ارکان اجتماع در تحقق این امر سهیم‌اند. در واقع، امنیت یکی از مؤلفه‌های اصلی دوام و بقای اجتماعات ملی و بین‌المللی است. به‌دلیل سازمان‌بندی زیست جمعی و وجود دو ساختار ملی و بین‌المللی از یک‌سو و سهم هر اجتماع ملی در شکل‌گیری و سازماندهی جامعه بین‌المللی، استدراک امنیت ملی در پرتو ملاحظات درون ملی و مقتضیات هم‌زیستی با سایر بازیگران اجتماع فراملی، یکی از اصول اساسی تحلیل‌های امنیتی معاصر است. در واقع، هرگز نمی‌توان امنیت ملی را با تکیه صرف بر منابع ملی قدرت و بدون در نظر آوردن فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی)، به‌صورت اطمینان بخش تأمین نمود. بنابراین، «تأمین اطمینان‌بخش امنیت ملی»، مستلزم توجه به برهم کنش مؤلفه‌های امنیت ملی و بین‌المللی است؛ برهم کنشی که راهبردهای امنیت ملی معاصر درک آن را به یکی از الزامات بنیادین ترسیم مبادی توفیق در دستیابی به منافع حیاتی خویش تلقی نموده‌اند.

نظر به این‌که تصور منفعت و نظم ممکن است در انظار و دیدگاه دولت‌ها و سایر بازیگران متفاوت بوده یا نوع منافع برخی اعضا در گرو دست یازیدن به حوزه اختیار و حقوق سایر بازیگران باشد، گاه برخی از آن‌ها با همگرایی<sup>۲</sup> میان

۱ - در مورد فضای سه بعدی اجتماعی، سیاسی و امنیتی تهدید، نک به: دکتر اصغر افتخاری، کالبدشکافی تهدید، تهران، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، ۱۳۸۵، صص ۳۲-۷.

2 - integration

خواسته‌های خود در صدد جست‌وجوی برتری یا حفظ هویت مستقل و استقلال رفتاری خود در برابر سایرین افتاده و به‌منظور تأمین منافع خود به «اتحاد» و «ائتلاف» میان خویش به‌صورت دائمی یا موقت، سازمان‌یافته یا غیرسازمان‌یافته روی می‌آورند.<sup>۱</sup> در واقع، اتحاد و ائتلاف نمودی از همگرایی دولت‌ها در روابط بین‌المللی و قبول نقش مؤثر این تعاملات در «هم‌افزایی» اقتدار دولت‌ها در فائق آمدن بر مشکلات همزیستی بین‌المللی است. در هر حال، تحلیل جامعه‌شناختی اجتماع بین‌المللی و نوع روابطی که بین اعضای آن‌ها حاکم است، به‌خوبی مؤید آن است که اتحاد و ائتلاف، یکی از نیازهای شناخته‌شده در روابط بین‌المللی برای غلبه بر مشکلات و موانع غیرقابل اجتناب محیط بین‌المللی است. «همگرایی» از سطح مذاکره، رایزنی و همسویی نظر گرفته تا اتحاد و ائتلاف سازمان‌یافته، یکی از ابزارهای غیرقابل جایگزین در روابط بین‌المللی برای توفیق در امور مختلف سیاسی، دفاعی و امنیتی (و هم‌چنین فرهنگی و اقتصادی) است که هرچند گستره‌ای فراگیرتر از نظم و نسق قراردادی و معاهده‌ای در روابط بین‌المللی دارند، با شکل‌گیری و پذیرش معاهدات دفاعی و امنیتی رابطه‌ای مستقیم دارند. در واقع، بستر جامعه‌شناختی شکل‌گیری معاهدات مذکور را همگرایی دو یا چند دولت برای هم‌افزایی اقتدرات دفاعی و امنیتی خود به‌منظور افزایش فرصت‌های دفاعی - امنیتی و کاهش یا حذف تهدیدهایی از این دست تشکیل می‌دهند.<sup>۲</sup>

۱ - با این حال، صبغه و کارکرد نظامی این اتحادها چنان در ادبیات سیاسی غالب است که مفهوم "alliance" را با «اتحادنظامی» مترادف گرفته‌اند. نک به:

J. Eliot and R. Regionld, *The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary*, (xford, lio Press, 1989, p. 4.

2 - Leonid Bondarets, ' n the ptimization of the Defense and Security Systems', *George C. Marshall Center*, 2000.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود در منطقه و جهان، همواره نقطه تلاقی مقوله‌های امنیتی بین‌المللی بوده و از این حیث با تهدیدها و فرصت‌های متعدد روبه‌رو بوده و خواهد بود. در واقع، موقعیت مذکور بر حجم فرصت‌ها و تهدیدها از حیث قابلیت فرصت‌سازی یا افزایش ضریب آسیب‌پذیری در برابر تهدید قدرت‌های بزرگ افزوده است. این موقعیت است که مسائل دفاعی و امنیتی کشورمان را از برخی کشورهای دیگر که فاقد چنین جایگاهی در محیط بین‌المللی هستند، مجزا و برجسته می‌سازد. معادله فرصت - تهدید، کشورها را به تصمیم‌گیری راهبردی ملزم می‌سازد. در این میان، در کنار بهره‌گیری از منافع ملی قدرت برای حصول به آرمان‌ها و منافع حیاتی ملی، منابع برون ملی قدرت نیز وجود دارند که هرچند خواه ناخواه با منابع ملی قدرت عجین بوده و رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، ایجاد آن‌ها و قراردادنشان در مسیر راهبرد ملی، مستلزم اقدامات و ذکاوت دیپلماتیکی است که بیش از هر چیز، بر شناخت عناصر امنیت‌زا و فرصت‌های امنیتی ناشی از قواعد بازی در محیط بین‌المللی مبتنی است.

یکی از این امکانات و قواعد یا فرایندهای بازی در محیط بین‌المللی هم در راستای صلح و امنیت ملی و هم بین‌المللی، «معاهدات دفاعی-امنیتی» است؛ معاهداتی که نتیجه توافق و تراضی اراده‌های سیاسی دو یا چند دولت حول محور منافع مشترک امنیتی و دفاعی هستند و با ایجاد شبکه‌ای از حقوق و تعهدات نظام‌مند، دولت‌های عضو را در به فعلیت درآوردن قابلیت‌های امنیت‌زایی یا دفاع در برابر تهدیدهای امنیتی علیه خود و سایر متحدانشان یاری نموده و بهره‌گیری از منابع قدرت ملی‌شان را در این راستا راهبری می‌نمایند.

### بند اول: مبانی حقوقی انعقاد معاهدات امنیت منطقه‌ای

منظور از «منطقه» به‌عنوان قید گستره‌پرداز و تبیین‌کننده معاهدات مورد بحث این نوشتار، تعیین دامنه دولت‌های عضو و هم‌چنین بُرد منافع امنیتی است که قرار است با چنین معاهداتی، صیانت از آن‌ها یا تحقق‌شان تعقیب و پیگیری شود. از این منظر، «منطقه به‌عنوان گروهی از کشورهاست که در مجاورت جغرافیایی نسبت به یکدیگر قرار دارند»<sup>۱</sup> یا به‌وجود عدم اقتران مرزی و جغرافیایی، مرکز ثقل و محل تمرکز منافع حیاتی‌شان در حوزه‌ای مشترک و همان محدوده جغرافیایی استقرار یافته و جای گرفته است.

نظر به دامنه‌دار و پرزحمت بودن طی فرایند انعقاد معاهدات بین‌المللی، مفروض وجود منطق مبتنی بر منفعت ملی در روی آوردن دولت‌ها به چنین فرایندی هنجارین است. البته چنین تمایل و روند علاقه‌مند شدن دولت‌ها، جدا از منافع ملی که بستر و زیربستر اغلب هنجارهای حقوقی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، نظام بین‌المللی حق - تکلیف نیز از دریچه‌ای خاص و حمایتی به پاره‌ای از منافع امنیتی دولت‌ها نگریسته گو این‌که این نظام برآمده از تقارن و توازن حاکمیت‌ها، نمی‌توانسته از گردونه مناسبات مبتنی بر رضایت متقابل و خودمحدودسازی‌های بین دولت‌ها گذر نموده و جهاتی غیر از صیانت و پاسداشت اقتدارات کشوری در راستای تأمین منافع جمعی (و البته مشترک) را پی بگیرد. حق ذاتی دولت‌ها در تضمین امنیت ملی و منافع حیاتی یا منافع اساسی امنیتی خود از طریق تشریک مساعی و به‌ویژه دفاع مشروع جمعی و هم‌چنین سایر تدابیر غیرقهری، اصلی‌ترین مبنای حقوقی انعقاد معاهدات بین‌المللی دفاع و امنیت مشترک در سطوح دو یا چندجانبه است؛ مبنایی که به

۱ - کریگ اسنایدر، امنیت و استراتژی معاصر، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، تهران، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱.

پدیداری و شکل‌گیری ده‌ها معاهده دو و چندجانبه و ترتیبات و ساختارهای سازمان یافته امنیت منطقه‌ای و دفاع مشترک منتهی شده است.

### ۱ - حق بر دفاع از منافع اساسی امنیتی دولت‌ها

حمایت از منافع اساسی امنیتی دولت‌ها، اساسی‌ترین حق ذاتی این بازیگران است. حق دفاع مشروع فردی و جمعی نیز نمادی بارز از ابزارهای مشروع در راستای تأمین منافع مذکور است. بنابراین، دفاع به مثابه مصداق و نمونه‌ای از ابزارهای تأمین امنیت خواهد بود. منشور ملل متحد به‌عنوان سند پایه‌ریزی نظم بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم، نه تنها سازماندهی اقدامات دفاعی دولت‌ها در قالب جمعی را به‌صراحت مقرر نموده (ماده ۵۱ منشور) بلکه تشکیل سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای را یکی از مجاری تنظیم روابط بین‌المللی و مدیریت امور مربوط به صلح و امنیت در جهانی نامتحد برشمرده است (فصل هشتم منشور).

بر این اساس، دولت‌ها می‌توانند برای مقابله با تهدیدهای امنیتی خود به‌صورت دو یا چندجانبه، سازمان یافته یا غیرسازمان یافته، موقتی یا دائمی توافق نموده و پیمان حقوقی یا سیاسی منعقد نمایند. البته این حق نامحدود نبوده و منوط به عدم گذار از هنجارهای حقوقی بین‌المللی است. در واقع، این حق تنها ناظر بر «دفاع» بوده و شکل‌گیری رویه‌های تهاجمی و مبتنی بر توسل نامشروع به زور حتی به بهانه تأمین امنیت ملی را بر نمی‌تابد. رویه بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که بعد از خاتمه جنگ به‌صورت متعدد و متکثر از این ظرفیت‌های قانونی منشور برای شکل‌گیری نظام‌های امنیت منطقه‌ای<sup>۱</sup> استفاده شده و در

1 - Regional Security systems

راستای تأمین ملاحظات خاص دفاعی نیز معاهدات متعددی به صورت علنی یا غیرعلنی بین دولت‌ها منعقد گشته است. با این حال، بر اساس ماده ۱۰۳ منشور که ناظر بر منع دیپلماسی مخفی است، ارزش‌گذاری حقوقی بین‌المللی معاهدات دفاعی - امنیتی منوط به ارسال آن‌ها به دبیرخانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور ثبت است. در غیر این صورت، معاهدات مذکور در برابر هیچ‌یک از ارکان سازمان ملل متحد قابل استناد نخواهد بود.

در این راستا، اساسی‌ترین مبنای عملی شکل‌گیری معاهدات دفاعی - امنیتی منطقه‌ای،<sup>۱</sup> حصول تفاهم میان دولت‌های منطقه و توافق آن‌ها حول محور نگرانی‌ها و تهدیدهای امنیتی و نحوه مدیریت آن‌هاست. با این حال، نظریه هم‌افزایی توانمندی‌های دولت‌های مذکور در مقابله با بحران‌های امنیتی منطقه‌ای در نتیجه انعقاد معاهدات مذکور، اغلب روی آوردن به ترتیبات موجود یا ایجاد ترتیبات جدید بدین منظور، به مثابه امری الزامی در راهبرد کلان امنیت ملی دولت‌ها تلقی می‌شود.

## ۲- حق بر صورت‌بندی حقوقی منافع سیاسی - امنیتی مشترک

منظور از «منافع مشترک» در این نوشتار، ضرورت تفکیک کمی و کیفی آن از «منافع جمعی یا همه‌گیر» است.<sup>۲</sup> تعهدات و معاهدات دفاعی - امنیتی، آمیزه‌ای از سیاست و حقوق بین‌الملل هستند که هم‌سازی منافع امنیتی دو یا چند دولت معین را در قالب سندی حقوقی و الزام‌آور صورت‌بندی و تنظیم می‌نمایند. این معاهدات و پیمان‌ها در عین پیروی از شرایط و الزامات عام مربوط به شکل‌گیری و اجرای معاهدات بین‌المللی (حقوق بین‌الملل معاهدات)، دارای خصایص و

1 - Regional defense-security treaties

۲ - در خصوص دسته‌بندی این منافع در ادبیات امنیت بین‌المللی، نک به: اسنایدر، پیشین، صص ۲۲۷-۱۹۹.

کارویژه‌های خاصی هستند که موجب تفکیک‌شان از سایر اسناد حقوق بین‌الملل قراردادی می‌گردند. با در نظر گرفتن چارچوب مفهومی و خصایص مذکور است که می‌توان به درکی مناسب از مؤلفه‌های شکل‌گیری معاهدات دست یافت و در مرحله بعد، مصادیق آن‌ها را در سطوح دوجانبه، چندجانبه، محدود و نامحدود (جهانی و منطقه‌ای) جست‌وجو و مورد سنجش قرار داد. در این بند، به چارچوب مفهومی معاهدات منطقه‌ای دفاعی-امنیتی در پهنه حقوق بین‌الملل و رویه کنونی (نظریه و عمل) خواهیم پرداخت.

با توجه به این‌که بستر شکل‌گیری معاهدات مذکور را همگرایی‌های موقت یا سازمان یافته میان دولت‌ها تشکیل می‌دهند، پیش از ورود به تحلیل ادبیات حقوقی (حقوق بین‌الملل نظری) و رویه بین‌المللی (حقوق بین‌الملل عملی) ناظر بر معاهدات دفاعی - امنیتی منطقه‌ای، لازم است صورت‌بندی همگرایی‌های مذکور و نقش این معاهدات با رعایت ایجاز تبیین گردد.

### **بند دوم: گونه‌شناسی معاهدات امنیت منطقه‌ای در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران**

فضای موجود در محیط امنیت منطقه‌ای ایران، متأثر از زایش‌ها و زدایش‌ها در ساختارهای دولتی در گستره پرتنش و پیچیده امنیتی آسیا<sup>۱</sup> به‌ویژه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وضعیتی جدید را فراروی بازیگران این منطقه قرار داد. به‌گونه‌ای که همین امر به‌ویژه از بین رفتن چتر حمایت‌های شوروی از برخی کشورهای منطقه، ضرورت بازتعریف نظامی امنیتی و نوین را در این گستره عینیت و ضرورت بیش‌تری بخشید. در گذشته، معاهدات منطقه‌ای متعدد به‌ویژه

۱ - نک به: والتر جونز، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داود حیدری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۸۶.



به صورت چندجانبه در منطقه پیرامونی کشورمان وجود داشته است. از یک سو، اتحاد جماهیر شوروی با ایجاد این اتحادهای نظامی و امنیتی، در صدد حفظ هویت مجزای خود و مقابله با سرمایه‌داری بر می‌آمد (نظیر پیمان ورشو) و از سوی دیگر، غرب به ویژه آمریکا با انعقاد معاهداتی نظیر سیتو و سنتو،<sup>۱</sup> معاهداتی علیه نفوذ کمونیسم را منعقد نمود.

در شرایط کنونی نیز همگرایی میان دولت‌های منطقه، انعقاد معاهدات متعدد امنیت مشترک را در پی داشته است. برخی از این معاهدات، به شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای نیز انجامیده و برخی در تدارک تمهیدات و طراحی ساختارهای مقدماتی بدین منظور هستند.

#### ۱ - پایش اقتدارات ایران و شکل‌گیری منشور شورای همکاری خلیج فارس

منشور شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان یک معاهده دفاعی - امنیتی محدود، سندی بین‌المللی است که نظام بسته‌ای را میان چند دولت معین حول محور امنیت مشترک و دفاع جمعی در برابر تجاوز خارجی ایجاد کرده به گونه‌ای که این نظم، بسته و محدود به دولت‌های عضو بوده و امکان بسط صریح به سایر دولت‌ها و محیط‌های امنیتی ندارند.

منشور شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ می ۱۹۸۱ و به ترغیب آمریکا برای هماهنگ‌سازی اقدامات شش دولت عربی منطقه خلیج فارس که متحد قطعی در سیاست‌های این کشور بوده‌اند (عربستان، قطر، کویت، بحرین، امارات متحده، عمان)، امضا گردید. در ماده ۴ منشور، اهداف این سازمان منطقه‌ای محدود و بسته که مبتنی بر ایجاد تعامل و اشتراک نظر و عمل در شش دولت

1 - See J Elliot and R. Reginald, Arms Control, Disarmament, and Military Dictionary, (xford, lio Press Ltd, 1989, pp. 105-106.

عضو است، چنین بیان شده است:

” اثر بخشیدن به هماهنگی، همگرایی و پیوند متقابل بین دولت‌های عضو در کلیه زمینه‌ها به منظور تحقق وحدت بین آنها، تعمیق و تقویت روابط، علایق و مسائل همکاری که هم‌اکنون بین ملل آن‌ها در عرصه‌های مختلف اولویت یافته است، ایجاد مقررات مشابه در عرصه‌های مختلف از جمله امور اقتصادی و مالی، تجارت، گمرکات و ارتباطات، آموزش و فرهنگ، تسریع در پیشرفت علمی و فنی در عرصه صنعت، معدن، کشاورزی، آب و منابع حیوانی، ایجاد تحقیقات علمی، شرکت‌های مدنی و ترویج همکاری بخش خصوصی در راستای خیر ملل مذکور.“

ساختار سازمانی این شورا برای اقدام و تصمیم‌گیری در مورد شیوه‌های دستیابی به اهداف فوق نیز عبارتند از: شورای عالی، شورای وزیران و دبیرخانه کل. با توجه به گستره کلی موضوعات همکاری ناشی از این معاهده، هرچند اساس کار آن بر همکاری‌های اقتصادی استوار بوده، از همان ابتدا عملاً حوزه‌های امنیتی و دفاعی نیز مورد توجه قرار داشته است. در واقع، این سازمان منطقه‌ای در عین کارکردهای اقتصادی، همواره نقش یا سازمان منطقه‌ای امنیتی - دفاعی را نیز ایفا کرده است.

دولت‌های عضو این شورا از همان ابتدای تشکیل، در صدد تشکیل نیروی دفاعی مشترک بوده‌اند. نیروی مسلح سپر جزیره، نخستین نمود از همکاری‌های نظامی دولت‌های عضو این شورا است. شورای عالی در نشست مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲، با تأسیس این نیرو و استقرار مقر آن در حفرالبطین عربستان موافقت کرد. دولت‌های عضو این سازمان، در بیستمین نشست شورای عالی در سال ۱۹۸۶، با امضای میثاق دفاعی شورای همکاری خلیج فارس، مبانی تشکیل نیروی دفاعی مشترک را تصویب کردند. در واقع، این میثاق، مبتنی بر تضمین جمعی، هم بسته

و متقابل نیروی دفاعی در مرحله نخست توکل به خدا و سپس به قابلیت‌های فردی هر دولت عضو بوده است. هدف میثاق نیز حمایت از منافع دولت‌های عضو و دفاع از زمین، هوا و آب‌های متعلق به آن‌ها در منطقه است.

دومین میثاق دفاعی شورای همکاری خلیج فارس نیز متعاقب چندین سال همکاری نظامی این دولت‌ها، در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ به امضا رسید. اساسی‌ترین محور این میثاق، تضمین دفاع جمعی در شرایط تهدید خارجی علیه هر یک از اعضاست. شورای دفاع مشترک و شورای عالی نظامی، دو رکن مبتنی بر این میثاق برای تصمیم‌گیری‌های تخصصی در این حوزه هستند.

در هر حال، با این‌که این شورا و منشور آن از مهم‌ترین سازمان‌ها و معاهدات دفاعی - امنیتی منطقه‌ای و حساس برای امنیت ملی کشورمان هستند (چراکه هدف اصلی تأسیس آن به ترغیب آمریکا، مقابله با بسط نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه بوده است)، با توجه به بسته بودن وضعیت معاهده تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، بحث الحاق کشورمان به آن چندان موضوعیت ندارد، هرچند برخی سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مطالعاتی از لزوم شکل‌گیری نظام جدید منطقه‌ای با حضور کلیه دولت‌های منطقه خلیج فارس (از جمله ایران و عراق) از طریق بازسازی منشور شورای همکاری خلیج فارس یا ایجاد منشوری جدید یاد کرده و کشورمان نیز در سیاست‌های اعلامی خود بارها بر ضرورت این امر به‌عنوان دلیلی برای عدم مشروعیت یا مقبولیت شورای مذکور در شرایط کنونی تأکید ورزیده است). البته عدم امکان الحاق، از اهمیت راهبردی این پیمان و ساختار سازمانی آن برای کشورمان نمی‌کاهد بلکه ضروری است این امر مورد توجه دقیق‌تر و نظام‌مند قرار گیرد.

## ۲ - امنیت محدود در قالب منشور سازمان دموکراسی و توسعه اقتصادی گوآم

در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که برخی از آن‌ها خرسند از رهایی

خویش و کسب استقلال در برابر سیاست‌های تحمیلی و بدون تساهل دولت شوروی، به آینده‌ای جدید فراروی ملت‌های منطقه می‌اندیشیدند، نگرانی‌های امنیتی و مشکلات فراروی حیات خود را نیز خیلی زود تجربه کردند: ناآرامی‌های داخلی در منطقه قفقاز و وقوع درگیری‌ها و منازعات سیاسی و نظامی میان برخی از این کشورها در عین فضای هژمون محاط بر محیط منطقه‌ای به‌ویژه تلاش‌های هژمونیک آمریکا برای نفوذ به قلب این منطقه، آن‌ها را به گذار از اتکای به خود بلکه همگرایی‌های امنیتی در حوزه نگرانی‌های مشترک ترغیب نمود.

گوآم<sup>۱</sup> (مخفف حرف اول نام کشورهای عضو سازمان دموکراسی و توسعه اقتصادی)، یک سازمان منطقه‌ای چهارجانبه اما باز و متشکل از دولت‌های گرجستان، اکراین، آذربایجان و مولداوی است. این سازمان در سال ۱۹۹۹ به دلیل الحاق ازبکستان به آن، به گوآم<sup>۲</sup> تغییر نام داد اما با خروج این کشور در ۵ می ۲۰۰۵، نام قبلی اعاده گردید. مقدمات تأسیس این سازمان به برگزاری نشست مشورتی گوآم در مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۹۷ در استراسبورگ و مبادله نامه‌های اولیه هر یک از این چهار دولت باز می‌گردد. در نشست یالتا (۶ و ۷ ژوئین ۲۰۰۱)، منشور سازمان گوآم امضا و سازمان مذکور رسماً تأسیس شد و با خروج ازبکستان، سازمان نام گوآم به خود گرفت.<sup>۳</sup>

در نشست ۲۲ آوریل ۲۰۰۵، روسای جمهور رومانی و لیتوانی، نماینده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا و مدیرکل سازمان همکاری و امنیت اروپا به‌عنوان ناظر شرکت کردند و در نشست ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ در باکو، نمایندگان لیتوانی،

1 - GUAM rganization for Democracy and Economic Development

2 - GUAAM

3 - wikipedia, 2007, p. 2

لهستان، رومانی، بلغارستان، استونی، لاتوی، آمریکا، ژاپن، یونسکو و آذربایجان به صورت ناظر حضور یافتند. با وجود گستره عام همکاری‌های این چهار دولت عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و عام‌الشمول بودن سازمان گوام، تنها بعد از می ۲۰۰۶ بود که دولت‌های عضو درصدد برنامه‌ریزی برای اقدامات نظامی و دفاعی مشترک در قالب این سازمان برآمدند. به طوری که وزیر دفاع اکراین در ۳۰ می ۲۰۰۶ برنامه‌هایی را برای تشکیل نیروهای مسلح حافظ صلح گوام ارائه نمود. ساختار نهادین و ارکان این سازمان، عبارتند از: نشست سران (عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری سازمان)، شورای وزیران امور خارجه، کمیته هماهنگ‌کنندگان ملی متشکل از یک هماهنگ‌کننده از هر دولت عضو سازمان، دفتر اطلاع‌رسانی سازمان که به مثابه دبیرخانه سازمان و رکن اداری آن است، در کیف مستقر است، گروه‌های کاری هشت‌گانه: مهندسی نیرو؛ حمل و نقل؛ تجارت و امور اقتصادی؛ علوم اطلاعات و ارتباطات؛ فرهنگ، علوم و آموزش و پرورش، توریسم، مبارزه با تروریسم، جنایات سازمان‌یافته و توزیع مواد مخدر.

### ۳- معاهده سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

اتحاد و همگرایی محدود مبتنی بر گوام، نه تنها دولت‌های دیگر این منطقه را به ابتکارات مشابه بلکه فراگیرتر ترغیب نمود، بلکه دولت‌های عضو آن سازمان محدود نیز از بیم عدم کفایت منافع و ابزارهای تأمین امنیت مشترک، در عین حفظ ساختار گوام، از این ابتکارات استقبال کردند. شکل‌گیری سازمانی فراگیر برای پوشش دادن به امور مشترک همه دولت‌هایی که در جریان اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی، به موجودیت مجزای بین‌المللی دست یافته بودند، نتیجه ملموس این ابتکارات بود.

سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup>، یک سازمان بین‌المللی یا اتحادیه متشکل از ۱۱ جمهوری شوروی سابق (ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، روسیه، تاجیکستان، اکراین و ازبکستان) است. ترکمنستان در ۲۶ اوت ۲۰۰۵ از عضویت دائم این سازمان خارج شد و اکنون عضو وابسته تلقی می‌شود. این سازمان بعد از تأسیس، فضای لازم برای انعقاد معاهدات و اسناد متعدد در ارتباط با همکاری و همگرایی در امور اقتصادی، دفاعی و سیاست خارجی را فراهم ساخت. شایان ذکر است که اندیشه حفظ وضعیت کنفدرال زمان اتحاد شوروی سابق مدت‌ها در برخی از جمهوری‌های آن وجود داشت که خود انعقاد معاهدات دفاعی - امنیتی را به دنبال داشت. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۷، روسیه و بلاروس با انعقاد یک پیمان، اتحادیه روسیه - بلاروس را تشکیل دادند تا از این سبک فدراسیون برای احیای اتحاد جماهیر شوروی سابق استفاده نمایند.

با برجسته شدن فروپاشی شوروی در پاییز ۱۹۹۱، سران روسیه، بلاروس و اکراین در ۸ دسامبر همان سال در منطقه پوشچا گرد هم آمدند و پیمانی را در مورد تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به امضا رساندند و در همان زمان اعلام کردند که این اتحادیه به روی کلیه جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق و سایر دولت‌هایی که در اهداف آن سهیم‌اند، مفتوح خواهد بود. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، سران پانزده جمهوری شوروی در نشست در آلماتا با امضای منشور تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، معاهده اولیه این کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را به‌صورت موقت تصویب کردند. اتحاد جماهیر شوروی سابق قبلاً در ۶ سپتامبر ۱۹۹۱ استقلال استونی، لاتوی و لیتوانی را تأیید کرده بود

1 - ommonwealth of Independent States ( IS)

و این سه دولت بالتیک از پیوستن به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خودداری و از توافق نشست آلماتا عدول کردند. گرجستان و آذربایجان که ابتدا مایل به الحاق به این جمع نبودند بعداً به آن پیوستند. منشور مذکور کلیه دولت‌های عضو را «مستقل و حاکم» اعلام کرد و بر همین اساس، به صورت مؤثر و عملی، اتحاد این دولت‌ها در لوای دولتی واحد به نام جماهیر شوروی فروپاشید.

ارکان این سازمان از نظر کارکرد و ماهیت کاری، به سه دسته تصمیم‌ساز، اجرایی و اداری تقسیم شده‌اند: **ارکان تقنینی و تصمیم‌ساز:** شورای سران کشور، شورای سران دولت، شورای وزیران خارجه، شورای وزیران دفاع، شورای فرماندهان نیروهای مرزی، مجمع بین‌المجالس، دادگاه اقتصادی. **ارکان اجرایی:** شورای اقتصادی، شورای نمایندگان دائم دولت‌های عضو، کمیته اجرایی و رکن اداری مشتمل بر دبیرخانه. بدین ترتیب، این سازمان تمامی ساختارهای لازم برای شکل‌گیری یک سازمان بین‌المللی کامل و منطقه‌ای را فراهم نموده است. در عمل، کارکرد این سازمان متأثر از فعال شدن سازمان‌های رقیب و مبتنی بر تمایلات و ابتکارات دولت‌های عضو در منشعب شدن از ترتیبات عام و ایجاد نظام خاص و محدودتر امنیتی که مزایای خاصی را دارد، به‌ویژه این‌که برخی از اعضای این سازمان دارای اختلافات عمیق سیاسی اثرگذار بر مسائل امنیتی هستند، محدودتر شده است.

#### ۴- منشور سازمان معاهده امنیت جمعی و رویای سازواره‌های راهبردی

امنیت جمعی، سطحی محدود و قشر اولیه اتحاد نظامی یا امنیتی است و «بدون نیاز به هم‌فکری‌های حداکثری»،<sup>۱</sup> تعدادی از دولت‌ها را که از لحاظ امنیت

۱- نک به: اسنایدر، پیشین، ص ۲۱۰.

در برابر تهاجم‌های خارجی، نگرانی مشترک دارند، دور خود جمع می‌نماید. در واقع، امنیت جمعی خواه در سطح جهانی یا منطقه‌ای، محدود و نامحدود، مبتنی بر چها محور بنیادی است: اول، اشتراکی حداقلی میان تعدادی از دولت‌ها به رسمیت شناخته و تعریف می‌شود و «منفعت مشترک» نامیده می‌شود؛ دوم، امنیت و تمامیت ارضی هر یک از دولت‌های عضو این تشکل، در هسته سخت این منفعت قرار می‌گیرد؛ سوم، هرگونه اقدام خارجی علیه این امنیت مشترک اقدام علیه امنیت همه اعضا تلقی می‌گردد، یعنی حمله به هر دولت عضو مساوی با حمله به همه اعضاست؛ چهارم، همه دولت‌های عضو متعهد می‌شوند اقتدارات نظامی و غیرنظامی خود را علیه دولت مهاجم به‌کار گرفته و به یاری دولت در معرض خطر یا مورد هجوم بشتابند. «این رویکرد معطوف به امنیت، تعریفی محدودتر از این موضوع را در نظر داشته و آن را برابر با تهدید نظامی می‌شمارد»<sup>۱</sup> و بر این اساس، وسایل و ابزارهای مقابله با تهدید را نیز عمدتاً از طریق قوه قهریه ترسیم می‌نماید. توسعه این راه‌کارهای امنیتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هنجاری برای تسهیل همکاری‌های بین‌دولتی، تعدیل مناقشات و صیانت از امنیت خود با اتکا به توان مشترک یا «بازدارندگی و واکنش مشترک»<sup>۲</sup> توصیه اکید نهادگرایان معاصر<sup>۳</sup> است

همان‌طور که گفته شد، دولت‌های واقع در مجاورت مرزهای شمالی کشورمان و فراتر از آن که از اتحاد جماهیر شوروی متزع شده‌اند، روحیه همگرایی قوی حتی برای تأمین امنیت مشترک ندارند. به‌طوری که در پاره‌ای از موارد، ناامن کردن محیط‌های مجاور، هسته امنیت ملی‌شان را تشکیل می‌دهد.

۱ - همان، ص ۲۱۰.

2 - Elliot and Reginald, op.cit., p. 106, no. 88.

۳ - همان، ص ۲۱۱.



به‌همین دلیل، تمایلشان به گذار از نظام‌های فراگیری که نقش آن‌ها را محدود به موارد قابل تصویب در ارکان سازمانی مبتنی بر این معاهدات نماید، و به عکس، ایجاد همگرایی‌های نه چندان فراگیر، بسیار زیاد است.

از نظر تحول تاریخی، معاهده مودت و همکاری متقابل که مقدمات ملموس و جدی شدن معاهده دفاع جمعی است، در ابتدای سال ۱۹۹۲ بین دولت‌های روسیه، قزاقستان و ازبکستان به امضا رسید. این معاهده، با فراهم‌سازی زمینه‌های ذهنی و عینی لازم، مقدمه‌ای برای ابتکار و انعکاس ضرورت انعقاد معاهده امنیت جمعی بود. سه دولت عضو این معاهده، پیش‌نویسی را برای انعقاد معاهده امنیت جمعی ارائه کردند و سه دولت دیگر یعنی ارمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان با امضای معاهده‌ای چندجانبه در مورد امنیت جمعی موافقت کردند. نشست تاشکند، مجالی مناسب برای امضای این پیمان بود. بدین ترتیب، معاهده امنیت جمعی در ۱۵ می ۱۹۹۲ در تاشکند به امضای روسای جمهور ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان رسید و آذربایجان در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳، گرجستان در ۹ دسامبر ۱۹۹۳ و بلاروس نیز در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ به آن ملحق شدند.<sup>۱</sup> با این حال، به دلیل برخی اختلافات مولداوی، ترکمنستان و اکراین با روسیه به‌ویژه در رابطه با استقرار نیروهای مسلح روسیه در شرق اروپا به‌عنوان بخشی از «دکترین نظامی دفاع تدافعی یا هجوم پیشگیرانه»،<sup>۲</sup> هنوز این کشورها بدان ملحق نشده‌اند.

این معاهده شش ماه بعد از امضای منشور کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود و مبنای سیاسی و حقوقی برای شکل‌گیری یک اتحاد نظامی-دفاعی با

1 - Rekuta, 2006, p. 9

۲ - نک به: دکتر جهانگیر کرمی، «مجادله دفاعی - هجومی در دکترین نظامی روسیه (۲۰۰۵-۱۹۱۷)»، سیاست دفاعی، شماره ۵۷-۵۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۴۲ و ۴۴.

حضور کشورهای مشترک‌المنافع برای وحدت بخشیدن به مقابله با تهدیدهای نظامی خارجی را فراهم ساخت. در واقع، بعد از انعقاد آن، برخی از دیگر جمهوری‌های شوروی سابق یعنی آذربایجان، بلاروس و گرجستان به این نتیجه رسیدند که ایجاد اتحادی نظامی در چارچوب کشورهای مشترک‌المنافع ضرورت دارد. با این حال، به دلیل وجود پیمان امنیت جمعی، ترجیح دادند همین هدف را از طریق الحاق به آن محقق سازند. بدین ترتیب، پیمان امنیت جمعی که ابتدا خارج از چارچوب کشورهای مشترک‌المنافع و موازی با آن ایجاد شده بود، به ساختاری برای تعقیب و پیگیری روابط دفاعی - امنیتی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تبدیل شد و به تشکیل «سازمان معاهده امنیت جمعی» انجامید.<sup>۱</sup> این سند در ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شده و در اول نوامبر ۱۹۹۵ در دبیرخانه ملل متحد به ثبت رسید.

این معاهده تمایل دولت‌های عضو برای خودداری از تهدید و توسل به زور را مورد تأیید قرار می‌دهند و در راستای همگرایی میان منافع ملی و دفاعی خود، متعهد شده‌اند از پیوستن به هرگونه اتحاد و سازمان نظامی یا گروه‌بندی‌ها و تشکل دولت‌ها خودداری ورزند و تجاوز به هر یک توسط دولت‌های دیگر را تجاوز به کلیه اعضا تلقی نموده و برای مقابله با تجاوز، از کلیه امکانات و توانمندی‌های خود استفاده نمایند.

#### الف) تعهدات حقوقی بنیادین معاهده تاشکند

تعهدات دولت‌های عضو پیمان در راستای تحقق اهداف آن که اساساً امنیت جمعی نام گرفته، حول همین محور تنظیم شده است. این تعهدات عبارتند از:

1 - Yegorov, p. 3

**حفظ وحدت همگرایی مبتنی بر پیمان:** به‌منظور جلوگیری از انشعاب در ساختار و تعهدات مورد نظر این معاهده، «عدم عضویت در سایر اتحادیه‌ها یا گروه‌بندی دولت‌ها» به‌مثابه یک شرط و تعهد اساسی بر دولت‌های عضو بار شده است تا از این طریق، وحدت و همگونی‌هایی که نتیجه تعریف و درک مشترک از تهدیدهای امنیتی و همچنین اتخاذ تدابیر هماهنگ برای مقابله با این تهدیدات است، حفظ گردد.

این در حالی است که برخی از این دولت‌ها، هم‌زمان با عضویت در این پیمان، به اتحادیه‌ها و معاهدات نظامی دیگری پیوسته و گروه‌بندی‌هایی نظیر گروه گوآم را تشکیل داده‌اند و سازمان شانگهای را با عضویت برخی دولت‌های خارج از شمول این معاهده ایجاد کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد، ایجاد چنین تعهدی نیز نتوانسته غیرمتمرکز بودن تمایلات سیاسی و امنیتی دولت‌های استقلال یافته از شوروی را به تمرکز و همگونی رهنمون سازد.

**توجه به امنیت مشترک و پرهیز از حمله به اعضا:** پیش شرط تأمین امنیت مشترک در برابر تهاجم‌های خارجی، ایجاد زمینه‌های لازم برای احساس امنیت دولت‌های عضو از رفتارهای متقابل نظامی است. در واقع، مادامی که دولت‌های عضو از اقدامات نظامی خود علیه هم‌دیگر اطمینان خاطر نیافته باشند، متمرکز کردن توانمندی‌های نظامی خود برای مقابله با تهاجم خارجی به یک یا چند دولت عضو این همگرایی، ممکن نخواهد بود. به‌همین دلیل، دولت‌های عضو دو تعهد اساسی را در این رابطه پذیرفته‌اند: عدم مشارکت در هرگونه اقدامی علیه دولت‌های عضو و عدم توسل به زور علیه دولت‌های عضو. در واقع، هم خود از اقدام مستقیم علیه دولت‌های عضو باز داشته شده‌اند و هم باید از مشارکت و معاونت در این اقدامات پرهیز نمایند.

**لزوم مشارکت امنیتی مثبت:** منظور از مشارکت امنیتی مثبت، تکمیل خودداری از حمله به دولت‌های عضو با امنیت منفی است. «ارائه هرگونه کمک

نظامی به هم‌دیگر در موارد وقوع تجاوز» بارزترین نماد از مشارکت امنیتی مثبت در قالب مجموعه‌های دفاع مشترک و امنیت جمعی است. در این معاهده، سیستم امنیت جمعی به معنای «تلقی حمله به هر دولت عضو به مثابه حمله به همه اعضا» به صراحت جزء تعهدات پیمان است. بر همین اساس است که دولت‌های عضو باید کلیه کمک‌های نظامی لازم برای مقابله با تجاوز را به دولت عضوی که قربانی تجاوز شده است، در راستای حق دفاع مشروع جمعی ارائه نمایند.

تصمیم به استفاده از نیروهای مسلح برای مقابله با تجاوز باید توسط سران دولت‌های عضو اتخاذ گردد. در خارج از این موارد، هرگونه اقدام نظامی تنها باید در پرتو منشور و مقررات داخلی دولت‌های عضو به عمل آید. شورای امنیت جمعی (عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری متشکل از روسای جمهور و روسای ستاد مشترک نیروهای مسلح دولت‌های عضو) و ارکان مشورتی آن (شورای وزیران دفاع و شورای وزیران امور خارجه) باید اقدامات مشترک را هماهنگ نموده و کمک‌های لازم برای این اقدامات را ارائه نمایند.

### ب) ارکان و ساختار نیمه‌سازمانی معاهده تاشکند

تنها رکنی که پیمان ایجاد کرده، شورای امنیت جمعی (سران دولت‌های عضو) است (ماده ۳). در ۶ ژوئیه ۱۹۹۲، موافقتنامه‌ای راجع به اساسنامه شورای امنیت جمعی در مسکو به امضا رسید و بر آن اساس، این شورا (متشکل از سران کشور و مدیرکل شورا) به عنوان عالی‌ترین رکن سیاسی اعضای پیمان دفاع جمعی تلقی گردید (بند ۱ از بخش ۱).

در ۱۹۹۵/۲/۱۰ نیز شورای سران کشور، نیروهای هوایی دفاعی متحد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را ایجاد و جهت‌گیری‌های اساسی تعمیق همکاری نظامی دولت‌های عضو پیمان را نیز تصویب نمود. ضمن این‌که اساسنامه شورای وزیران دفاع دولت‌های مشترک‌المنافع نیز در سال ۱۹۹۳

به تصویب آن رسید. کمیته دبیران شورای امنیت ملی دولت‌های عضو نیز در می ۲۰۰۰ به منظور هماهنگی عملیات‌های ضدتروریستی ایجاد شد. در می ۲۰۰۱ این کمیته با پردازش تهدیدهای امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، تصمیم گرفت نیروهای واکنش سریع جمعی را در چارچوب این معاهده ایجاد نماید. در سال ۲۰۰۳ و طی نشست دولت‌های مشترک‌المنافع، این پیمان به «سازمان معاهده امنیت جمعی» تغییر نام داد و به سازمان بین‌المللی منطقه‌ای تبدیل شد. با این حال، تحلیل این پیمان تنها ارزش تاریخی ندارد، بلکه به دلیل استمرار تعهدات و اصول پیمان در قالب منشور سازمان پیمان دفاع جمعی از یک سو و پیشینه تاریخی این پیمان و اثرگذاری آن بر مفاد منشور مذکور، لازم است مفاد آن (به جز مواد راجع به امور شکلی و سازمانی که در منشور سازمان پیمان امنیت جمعی، حذف و لغو شده‌اند)، مورد توجه قرار گیرد.

### ج) تکاپوهای منتهی به پدیداری سازمان معاهده امنیت جمعی

همان‌طور که گفته شد، معاهده امنیت جمعی در ۱۵ می ۱۹۹۲ در چارچوب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و توسط ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان در شهر تاشکند به امضا رسید و در ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید.<sup>۱</sup> این پیمان، ابتدا برای مدت پنج سال تهیه شده بود. با این حال، امکان استمرار آن از طریق تمدید اعتبار در آن پیش‌بینی شده بود. بر همین اساس، در ۲ آوریل ۱۹۹۹، روسای جمهور دولت‌های عضو (به جز آذربایجان و گرجستان) با امضای پروتکلی برای تمدید دوباره آن به مدت پنج سال، آن را تا سال ۲۰۰۳ اعتبار بخشیدند. با این حال، آذربایجان و گرجستان با خودداری از

1 - [www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=5696](http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=5696)

امضا و بلکه خروج از معاهده (و پیوستن بعدی ازبکستان به سازمان گوآم به منظور اتخاذ سیاست‌های ضدروسی)، خود را از دامنه اعضا خارج نمودند. با این حال، در ۷ اکتبر ۲۰۰۲ شش دولت عضو اصلی معاهده با امضای «منشور سازمان پیمان امنیت جمعی» در شهر چیزینائو، این معاهده را تمدید کردند و آن را با همان اختیارات و وظایف و ارکان مقرر در پیمان، به «سازمان پیمان امنیت جمعی» تغییر نام دادند. در طول سال‌های ۲۰۰۵ به بعد، اعضای این سازمان دفاعی - امنیتی منطقه‌ای، مانورها و تمرین‌های مشترک نظامی متعددی را انجام داده‌اند. در سال ۲۰۰۵، ازبکستان با خروج از سازمان گوآم و بازگشت به سیاست نزدیکی به روسیه، ضمن عضویت در این سازمان، عضویت خود را عودت نمود. بنیادی‌ترین اصل موجد شکل‌گیری منشور مذکور این است که پیمان امنیت جمعی به‌عنوان سندی حقوقی به‌قوت خود باقی است و منشور، تنها ساختاری سازمانی و دائمی را برای استمرار روند اجرای آن سند و موارد جدید مندرج در منشور پیش‌بینی نموده است. در واقع، این منشور به مثابه یک معاهده چندجانبه، در عین تمدید دائمی مدت اعتبار ۵ ساله پیمان امنیت جمعی، سازمانی را در خصوص اجرا و نظارت بر حسن اجرای پیمان ایجاد نموده است. ماده ۲ منشور تصریح نموده که پیمان امنیت جمعی و موافقتنامه‌ها و تصمیمات اتخاذی در چارچوب آن‌ها، برای کلیه اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی و خود سازمان لازم‌الاجرا خواهد بود.

اصول ناظر بر تأسیس سازمان و فعالیت اعضای آن عبارتند از: رعایت تعهدات منشور ملل متحد، تصمیمات شورای امنیت و اصول جهان‌شمول حقوق بین‌الملل؛ تعقیب شرایط مطلوب و ثبات برای توسعه کامل دولت‌های عضو پیمان و امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی آن‌ها؛ اعلام مجدد التزام به اصول و اهداف معاهده و معاهدات و تصمیمات اتخاذی در چارچوب آن؛ عزم راسخ به ارتقای همکاری نظامی و سیاسی در راستای تأمین منافع ملی و امنیت ملی و

منطقه‌ای به منظور حفظ و ارتقای اتحاد جامع در عرصه سیاست خارجی؛ مسائل و فناوری نظامی و مقابله با چالش‌های فرامرزی و تهدیدهای فراروی امنیت دولت‌ها و ملت‌ها. سازمان در اقدامات خود نه تنها باید با دولت‌های غیرعضو همکاری نماید، بلکه باید با سازمان‌های بین دولت‌های فعال در حوزه امنیت رابطه برقرار نماید و به پیشبرد شکل‌گیری نظم جهانی عادلانه و دموکراتیک مبتنی بر اصول جهان‌شمول حقوق بین‌الملل کمک نماید (ماده ۴) و نهایتاً احترام کامل به استقلال، مشارکت اختیاری و برابری حقوق و تعهدات دولت‌های عضو و عدم مداخله در امور واقع در حوزه صلاحیت ملی دولت‌های عضو (ماده ۵) قائل شود. در اصول مذکور، بخشی از تعهدات دولت‌های عضو سازمان نیز در راستای تحقق اهداف سازمان تبیین و مقرر شده است. اهداف سازمان نیز عبارتند از: تقویت صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی و تضمین دفاع جمعی از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت دولت‌های عضو که دولت‌های عضو باید در دستیابی به آن‌ها اولویت را به تدابیر سیاسی بدهند؛ اتخاذ اقدامات لازم توسط دولت‌های عضو برای ایجاد سیستم امنیت منطقه‌ای اثربخش؛ تأسیس ائتلاف منطقه‌ای متشکل از نیروهای مسلح و ارکان اداری و ایجاد زیرساختی نظامی؛ آموزش کارکنان و کارشناسان نظامی نیروهای مسلح و تهیه تسلیحات و فناوری‌های نظامی لازم؛ تعهد دولت‌های عضو به پذیرش استقرار نیروهای مسلح دولت‌های عضو و دولت‌های غیرعضو متعاقب رایزنی و حصول توافق با سایر اعضا (ماده ۷).

**تعهدات دولت‌های عضو:** علاوه بر موارد فوق، تعهدات اصلی دولت‌های عضو عبارتند از: تعهد به هماهنگی و همکاری در مبارزه با تروریسم و جنایات سازمان یافته (ماده ۸)؛ تعهد به پذیرش و هماهنگ‌سازی مواضع سیاست خارجی خود در رابطه با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق سازوکارهای رایزنی در سازمان (ماده ۹) و ایجاد مبانی حقوقی لازم برای کارکرد سیستم دفاع و امنیت

جمعی در حقوق داخلی (ماده ۱۰).

شورای امنیت جمعی، شورای وزیران امور خارجه، شورای وزیران دفاع، کمیته دبیران شورای امنیت، دبیرخانه (ماده ۱۱)، شورای وزیران خارجه و دفاع و کمیته دبیران شورای امنیت، وضعیت مشورتی خواهند داشت (مواد ۱۴ تا ۱۶)، ارکان سازمان پیمان امنیت جمعی را تشکیل می‌دهند. عضویت در سازمان به روی هردولتی که در اهداف و اصول منشور سهیم شده و آمادگی تقبل تعهدات ناشی از منظور و سایر معاهدات بین‌الملل و تصمیمات اتخاذی در چارچوب سازمان را داشته باشند، مفتوح خواهد بود. تصمیم‌گیری در مورد پذیرش عضویت در سازمان، برعهده شورای امنیت جمعی خواهد بود (ماده ۱۹). در صورت عدم ایفای تعهدات منشور و تصمیمات شورا یا سایر ارکان در رابطه با اجرای آن، شورای امنیت جمعی می‌تواند حق شرکت دولت مذکور در کارهای ارکان سازمان را به حالت تعلیق درآورد. در صورت اصرار دولت مذکور بر عدم ایفای تعهدات، شورا می‌تواند دولت مزبور را از سازمان اخراج نماید (ماده ۲۳).

#### بسط حوزه منطقه‌ای امنیت و تدوین منشور سازمان همکاری شانگهای

گروه ۵ شانگهای، نخستین فاز از سازماندهی روابط دولت‌های سازمان همکاری شانگهای است. این گروه در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ با امضای پیمان شانگهای یا «تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی» توسط قزاقستان، چین، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان تشکیل شد. در ۲۴ آوریل ۱۹۹۷، همین پنج کشور در نشست مسکو، پیمان دیگری را نیز با عنوان «کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی» امضا نمودند. نشست‌های سالانه این گروه در آلماتی (۱۹۹۸)، بیشکک (۱۹۹۹) و دوشنبه (۲۰۰۰) برگزار شد. در سال ۲۰۰۱، در ادامه نشست‌های سالانه نوبت به شانگهای چین رسید. در این نشست با پذیرش ازبکستان به گروه، نام آن به «گروه شش شانگهای» تبدیل شد و روسای این شش کشور در



۱۵ ژوئن ۲۰۰۱، بیانیه سازمان همکاری شانگهای را به منظور ارتقای سطح همکاری‌ها امضا کردند. در ژوئیه ۲۰۰۱، روسیه و چین به امضای پیمان حسن هم‌جواری و روابط دوستانه پرداختند و در نشست بعدی در سن پترزبورگ (۱۷ ژوئن ۲۰۰۲)، منشور سازمان همکاری شانگهای با تدوین اهداف، اصول و ساختار سازمانی و کاری طرفین بارعایت موازین حقوق بین‌الملل، به امضا رسید و بر این اساس، این سازمان منطقه‌ای به مجموعه سازمان‌های بین‌المللی افزوده شد. اساس کار این سازمان، همکاری در رابطه با نگرانی‌های امنیتی دولت‌های آسیای میانه به‌ویژه تهدیدهای ناشی از سه مقوله تروریسم، تجزیه‌طلبی و توسعه‌طلبی ارضی بوده است. بر همین اساس، در ۱۶ و ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴ و در خلال نشست تاشکند، ساختار منطقه‌ای مبارزه با تروریسم ایجاد شد. با این حال، همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی نیز توسط دولت‌های عضو این سازمان دنبال شده است. در خصوص همکاری‌های نظامی نیز از سال ۲۰۰۲ تا کنون چندین مانور نظامی مشترک در چین و روسیه با حضور نیروهای مسلح دولت‌های عضو و برخی دولت‌های ناظر برگزار شده است.

در اکتبر ۲۰۰۷، سازمان شانگهای با امضای معاهده‌ای با سازمان پیمان امنیت جمعی، همکاری در خصوص مسائلی نظیر امنیت و جنایات سازمان‌یافته را افزایش داد و برنامه مشترک این دو سازمان منطقه‌ای در همین راستا قرار است در اوایل ۲۰۰۸ در نشست شانگهای امضا شود. در میان سایر دولت‌های منطقه، پاکستان و ایران که از سال ۲۰۰۵ سمت ناظری این سازمان را کسب کرده‌اند، در جست‌وجوی عضویت کامل در این سازمان عنوان شده‌اند. اما مغولستان و هند به‌عنوان دیگر ناظران این سازمان تمایلی در این خصوص نشان نداده‌اند. در خصوص امکان الحاق بلاروس نیز برخی از اعضا نظیر روسیه، چندان تمایلی نشان نداده‌اند. آمریکا نیز حضور در این سازمان به‌عنوان ناظر را درخواست نموده است، اما در نشست سال ۲۰۰۵ این سازمان، درخواست مذکور مورد

پذیرش اعضا قرار نگرفت.

### الف) بسترها و اهداف شکل‌گیری منشور شانگهای

بسترهای شکل‌گیری این پیمان دفاعی - امنیتی چندجانبه نامحدود یا باز، بر اساس آنچه به‌صراحت در مقدمه آن آمده است، عبارتند از: وجود عزم راسخ در دولت‌های عضو به‌منظور تقویت صلح، تضمین امنیت و ثبات در منطقه در جو رو به تکثر سیاسی و جهانی شدن اقتصاد و اطلاعات؛ سابقه انعقاد دو پیمان منطقه‌ای ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ و ۲۴ آوریل ۱۹۹۴ و مشارکت مؤثر در حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه و جهان؛ تأیید مجدد اصول و اهداف منشور، حقوق بین‌الملل در رابطه با حفظ صلح، امنیت و توسعه، حسن همجواری و روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها.

اهداف سازمان عبارتند از: تقویت اعتماد متقابل، مودت و حسن همجواری بین دولت‌های عضو، افزایش همکاری بین‌رشته‌ای در حفظ و تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ترویج نظم نوین بین‌المللی سیاسی و اقتصادی دموکراتیک، عادلانه و منطقی، مقابله مشترک با تروریسم، تجزیه و توسعه‌طلبی ارضی در کلیه مظاهر آن‌ها و مقابله با جنایات سازمان‌یافته، ترویج همکاری مؤثر منطقه‌ای در عرصه‌هایی نظیر سیاسی، تجارت و اقتصاد، دفاعی، اجرای قانون، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی، آموزش، انرژی، حمل و نقل و امور مالی و کلیه موضوعات مورد علاقه طرفین، هماهنگ‌سازی رویکردهای ناظر بر همگرایی و الحاق به اقتصاد جهانی، ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر اساس تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو و قوانین داخلی، ایجاد و توسعه روابط با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، همکاری در پیش‌گیری از مخاصمات بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز آنها، پی‌جویی مشترک راه‌کار مسائل و مشکلاتی که در قرن بیست و یکم به‌وقوع می‌پیوندد (ماده ۱ منشور).

کارکردهای سازمان شانگهای و همکاری‌های امنیتی و دفاعی دولت‌های عضو تابع اصول زیر هستند: احترام متقابل به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها و غیرقابل تعرض بودن مرزها؛ عدم تجاوز و مداخله در امور داخلی یک‌دیگر؛ عدم توسل یا تهدید به زور در روابط بین‌المللی؛ عدم تعقیب برتری یک‌جانبه نظامی در منطقه مجاور؛ برابری کلیه اعضا؛ تعقیب مواضع مشترک بر اساس درک و احترام متقابل به دیدگاه‌های هر یک؛ انجام تدریجی اقدامات مشترک در حوزه‌های موردعلاقه متقابل؛ حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌اعضا؛ عدم اقدام و جهت‌گیری سازمان علیه سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛ پیش‌گیری از اقدامات غیرقانونی علیه دولت‌های عضو سازمان؛ ایفای تعهدات ناشی از این منشور و سایر اسناد تصویب شده در چارچوب سازمان با حسن‌نیت. همان‌طور که در بالا مشهود است، همکاری‌های امنیتی دولت‌های عضو این سازمان فراگیرتر از محدوده اقدامات دفاعی است. حفظ صلح و تقویت امنیت و اعتماد در منطقه، جست‌وجوی مواضع مشترک در مسائل سیاست خارجی از جمله مسائل مطروحه در قالب سازمان‌های بین‌المللی و عرصه بین‌المللی، هماهنگی در زمینه‌ی خلع سلاح و کنترل تسلیحات و مقابله با تروریسم و توسعه یا تجزیه‌طلبی، همه حوزه‌های اصلی همکاری‌های موردنظر این سازمان منطقه‌ای چندبعدی را تشکیل می‌دهند.

ارکان این سازمان عبارتند از: شورای سران کشور (روسای جمهور)، شورای سران دولت (نخست وزیران)، شورای وزیران امور، نشست‌های روسای وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها، شورای هماهنگ‌کنندگان ملی، ساختار منطقه‌های مبارزه با تروریسم و دبیرخانه. مقررات و نحوه کار این ارکان (غیر از اخطار منطقه‌ای مبارزه با تروریسم) تابع مقررات مصوب شورای سران کشور خواهد بود. شورای سران کشور می‌تواند در مورد ارکان جدید سازمان تصمیم‌گیری نماید. در این صورت مراتب باید در قالب پروتکل الحاقی به منشور حاضر ملحق شده و به

تصویب اعضا برسد.

### ب) در جست‌وجوی تضمین همگونی و بسط حوزه عمل سازمان

در این منشور، هم امکان حفظ یکنواختی و همگونی دولت‌های عضو مدنظر قرار گرفته و دولت‌های متخلف از هنجارهای اساسی این ساختار را با اخراج پاسخ داده است و هم ارتقای گستره سازمان را از رهگذر جلب و جذب همکاری و عضویت سایر دولت‌های معتقد به اصول آن، مقرر نموده است.

بر اساس ماده ۱۳ منشور، عضویت در سازمان به روی سایر دولت‌های منطقه که رعایت اهداف و اصول این منشور را پذیرا شده و به مقررات معاهدات و اسناد بین‌المللی تصویب‌شده در قالب این سازمان پایبند باشند، مفتوح خواهد بود. پذیرش اعضای جدید باید توسط شورای سران کشور بر اساس پیشنهاد شورای وزرای خارجه در پاسخ به درخواست رسمی دولت موردنظر خطاب به رئیس شورای وزیران امور خارجه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد.

عضویت دولتی که مقررات این منشور را نقض نماید یا از ایفای تعهدات خود بر اساس معاهدات و اسناد بین‌المللی منعقد در قالب سازمان به‌صورت سیستماتیک خودداری ورزد، ممکن است با تصمیم شورای سران کشور بنا به پیشنهاد شورای وزیران خارجه تعلیق گردد. در صورت ادامه این دولت به تخلف از تعهدات، شورای سران کشور می‌تواند تصمیم به اخراج آن از سازمان بگیرد. بر این اساس، هر دولت عضو می‌تواند با ارسال ابلاغیه رسمی خروج خود به امین اسناد این منشور ظرف ۱۲ ماه قبل از تاریخ خروج، از سازمان خارج گردد. تعهدات ناشی از این منشور و سایر اسناد تصویب شده در چارچوب سازمان، مادامی که کاملاً ایفا نشده‌اند، برای طرفین آن‌ها لازم‌الاجرا هستند.

با توجه به دامنه‌دار و پایدار بودن اهداف امنیتی که این منشور در پی تحقق آن است، طبیعی است که ساختار سازمانی و مدت دوام آن نیز باید با این

رسالت‌ها مطابقت داشته باشد. بر همین اساس، مدت اعتبار این منشور، نامحدود خواهد بود و هر دولتی می‌تواند بعد از لازم الاجرا شدن این منشور به آن ملحق شود. در این صورت، منشور حاضر در سی‌امین روز بعد از تاریخ دریافت سند الحاق توسط امین، برای وی لازم الاجرا خواهد شد (ماده ۲۱). چنین امین این منشور است (ماده ۲۵) و به‌منظور پرهیز از دیپلماسی مخفی و شفاف‌سازی کارکردهای این سازمان در قاموس کلی صلح و امنیت بین‌المللی، متن سند بر اساس ماده ۱۰۲ منشور در دبیرخانه ملل متحد به ثبت رسیده است (ماده ۲۶).

### نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن پیچیده شدن مسائل امنیتی و مفتوح شدن باب بروز تهدیدهای مدرن<sup>۱</sup> و پسامدرن<sup>۲</sup> اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری<sup>۳</sup> و هم‌چنین متکثر شدن تهدیدهای مرکب<sup>۴</sup>، توان یک کشور آن‌هم کشورهای در حال توسعه<sup>۵</sup>، برای پاسخ دادن به همه نگرانی‌های امنیتی کافی نخواهد بود. به‌ویژه این‌که وجود دشمن (آن‌هم با تحولی که در ابعاد ذهنی و عینی آن صورت گرفته و به‌ویژه خصیصه سیالی که دارد)<sup>۶</sup> در محیط امنیتی نیز دولت‌ها را ملزم می‌سازد بخشی از منابع ملی خود را صرف پیش‌گیری از بروز این تهدیدها و هم‌چنین

۱ - نک به: کتلین برادن و فرد شلی، ژئوپلیتیک معاصر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳، صص ۲۳۰-۲۰۲.

۲ - نک به: آندریاس بنکه، «پست مدرنیته کردن امنیت»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، زمستان ۸۱، صص ۱۳۹-۱۳۳.

۳ - نک به: افتخاری، پیشین، صص ۱۸۲-۱۶۳.

۴ - نک به: همان، صص ۲۲۲-۲۲۰.

۵ - نک به: محمد ایوب، «معضل امنیت در جهان سوم»، ترجمه امجد محمد محمودی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۱، صص ۵۱۱-۵۰۳.

۶ - به عنوان نمونه نک به: برادن و شلی، پیشین، صص ۱۵۷-۱۵۰.

مقابله با آن‌ها بنمایند. به همین منظور است که در عین لزوم خودکفایی در تأمین استانداردها و بنیادهای تأمین امنیت ملی به‌ویژه در ابعاد دفاعی، همگرایی با بازیگران دوست و هم‌فکر در محیط پیرامونی اعم از منطقه‌ای و جهانی نیز لازمه توفیق و ظرفیابی بر این پدیدارهای نظم‌زداست و انعقاد اسناد حقوقی در این رابطه، به دلیل خصایصی که این زمینه‌های هنجاری دارند، افقی خاص (و البته قابل تأمل و مستلزم اندیشه‌ورزی) را به روی سیاست امنیت ملی کشور می‌گشاید. در واقع، «زندگی توأم با تضاد»<sup>۱</sup> است و صرف‌نظر کردن از فرصت‌های نهفته در همکاری‌های بین‌المللی دو یا چندجانبه، با منطق استفاده حداکثری از منابع برای تأمین نظم و امنیت سازگار نخواهد بود. به همین دلیل، همه بازیگران بین‌المللی فضای این قبیل تعاملات را از نظر دور نداشته‌اند.

اتحاد و ائتلاف بخشی جدایی‌ناپذیر از روابط بین‌المللی است که همه دولت‌ها در آن دخیل هستند. در واقع، این اتحادها نه تنها نشان می‌دهد که منافع یک دولت به تنهایی مطرح نیست، بلکه منافع جمعی در میان است، عمق کارآمدی سیاست خارجی، اقتصادی، دفاعی کشوری معین را نیز نشان می‌دهد. در مواردی که تأمین منافع محدود اعم از منطقه‌ای یا بلوک‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیک محور این ائتلاف‌ها را تشکیل می‌دهد، بدون تردید نوعی تهدید برای سایر بخش‌های اجتماع بین‌المللی با شدت و ضعف متفاوت ظاهر می‌گردد. البته گاه ممکن است این اتحادهای محدود و منطقه‌ای در جهت تحکیم منافع مشترک جهانی گام بردارند، اما در مواردی که تمایلات سیاسی و نظامی مبنای این اتحادها و ائتلاف‌ها را تشکیل می‌دهد، سایر دولت‌ها باید راهبرد خود را با در نظر گرفتن تهدیدهایی که از جانب این ائتلاف‌ها علیه‌شان شکل گرفته یا

---

۱ - همان منبع، ص ۳۴۹.

ممکن است شکل بگیرد، تدوین نمایند.

رویکرد دولت‌ها در خصوص نفس همگرایی و سطح آن از مذاکره و تعامل حداقلی گرفته تا اتحاد سازمان‌یافته، تابعی مستقیم از راهبرد هر کشور است. جمهوری اسلامی ایران در شرایط حساس منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی، با اتحادها و ائتلاف‌های متعددی روبه‌روست که ممکن است به مجالی برای فرصت‌سازی یا ایجاد تهدیدهای امنیتی به منصفه ظهور برسند. بدون شک، راهبرد کشورمان در کلیه ابعاد دفاعی، سیاسی و اقتصادی باید بر افزایش همگرایی با دولت‌های دوست و هم‌نظر استوار باشد. سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله با بهترین درک از این وضعیت، بر «تعامل سازنده» در عرصه روابط بین‌المللی به‌عنوان اساس سیاست خارجی کشور تأکید نموده است.

فضای برون‌ملی محیط امنیتی کشورمان به‌دلیل وضعیت خاص فرهنگی و سیاسی و ساختاری، به‌ویژه تنوع کشورهای واقع در آن، وضعیتی همپوشان دارد. به‌طوری که گاه امنیت خلیج فارس به‌صورت مجزا و به مثابه واحدی از امنیت خاورمیانه تلقی می‌گردد و گاه امنیت در محیط مذکور فراتر از این محدودیت‌ها و به گستره کلیه بازیگران واقع در این محیط از روسیه در شمال گرفته تا مصر و سودان در جنوب و از ترکیه در غرب گرفته تا پاکستان در شرق نگریده می‌شود. در محیط امنیتی‌ای به این گستردگی هرچند مؤلفه‌های الفت قلوب و تلاقی و امتزاج اراده‌های سیاسی حول محور همکاری‌های امنیتی کم و ناچیز نیست، به دلایل مختلف چنین سیستمی از تعامل بین‌الدولی تنها با محدودسازی محیط مورد نظر قابل تحقق است.

به‌عنوان نمونه، وابستگی و علایق امنیتی و سیاسی اغلب دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس به آمریکا، مانع از تحقق نظام امنیت جمعی یا انعقاد معاهدات دفاعی - امنیتی در این منطقه با حضور روسیه و بدون مشارکت آمریکا است. البته از سوی دیگر، حضور آمریکا در چنین پیمانی ممکن است یک دافعه

برای مشارکت روسیه و ایران در قبول سهم آمریکا در این سازوکارهای امنیتی باشد. چراکه از جمله ایران معتقد است امنیت در این منطقه، امری بومی است که باید با مشارکت عناصر درونی و قدرت‌های منطقه شکل بگیرد و دولت‌های خارج از آن به‌ویژه آمریکا نه تنها سهمی به‌عنوان مبنای عضویت ندارند، بلکه خود عامل اصلی ناامن‌سازی محیط امنیت منطقه‌ای تلقی می‌شوند.

با این حال، انعقاد معاهدات دفاعی - امنیتی در چنین فضایی حتی به‌عنوان ابزار فرصت‌سازی امنیتی آمریکا نیز مورد توجه قرار داشته است. شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان و مشارکت پنج کشور دیگر عرب منطقه (کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و عمان) نیز از جمله تدابیر امنیتی مورد توصیه آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده و از این رو، رویکرد کشورمان در خصوص ایجاد یا الحاق به معاهدات دفاعی - امنیتی منطقه‌ای، مجرای برای تعدیل تهدیدهای ناشی از این قبیل تدابیر خواهد بود. از این رو، ایران در محیطی قرار دارد که مجموعه‌ای پنج‌گانه از نظام‌ها یا مجموعه‌های امنیتی را در قالب معاهدات دفاعی - امنیتی چندجانبه تجربه کرده است؛ مجموعه‌هایی که کشورمان در هیچ‌یک از آنها حضور نداشته، به همین دلیل ممکن است از برخی معاهدات مذکور به‌عنوان ابزار ایجاد تهدید یا کاهش فرصت‌های امنیتی کشورمان در محیط منطقه‌ای و جهانی استفاده گردد؛ پیمان‌هایی که (در عین معمای جدید امنیتی در عصر جهانی شدن) تعیین تکلیف راهبرد ملی در الحاق به آنها یا ایجاد این قبیل مبانی همگرایی سازمان‌یافته و فراگیر را به مثابه جزئی از مجاری مدیریت دفاعی منطقه‌ای<sup>۱</sup> بیش از پیش، ضرورت می‌بخشد.

۱ - محمود عسگری، «مدیریت دفاعی منطقه‌ای: ارائه الگویی برای ج.ا.ایران»، راهبرد دفاعی، شماره ۹، پاییز ۸۴.



### منابع

- ۱ - اسنایدر، کریگ؛ "امنیت و استراتژی معاصر"؛ ترجمه سیدحسین محمدی نجم؛ تهران؛ دوره عالی جنگ؛ ۱۳۸۴.
- ۲ - افتخاری، اصغر؛ "کالبدشکافی تهدید"؛ تهران؛ مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، ۱۳۸۵.
- ۳ - ایوب، محمد؛ "معضل امنیت در جهان سوم"، ترجمه امجد محمودی؛ فصلنامه مطالعات راهبردی؛ شماره ۱۶؛ تابستان ۱۳۸۱.
- ۴ - برادن، کتلین و شلی، فرد؛ "ژئوپلیتیک فراگیر"؛ ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما؛ تهران؛ دوره عالی جنگ؛ ۱۳۸۳.
- ۵ - بنکه، آندریاس؛ "پست مدرنیته کردن امنیت"، فصلنامه راهبرد؛ شماره ۲۶؛ زمستان ۸۱.
- ۶ - جونز، والتر؛ "منطق روابط بین‌الملل"؛ ترجمه داود حیدری؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۳.
- ۷ - عسگری، محمود؛ "مدیریت دفاعی منطقه‌ای: ارائه الگویی برای جک.ا. ایران"، راهبرد دفاعی؛ شماره ۹؛ پاییز ۸۴.
- ۸ - کرمی، جهانگیر؛ "مجادله دفاعی - هجومی در دکترین نظامی روسیه (۲۰۰۵-۱۹۱۷)؛ سیاست دفاعی؛ شماره ۵۷-۵۶؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- 9 - J. Eliot and R. Regionld, "*The Arms Control*", Disarmament and Military Security Dictionary, (xford, lio Press, 1989).
- 10 - Leonid Bondarets, "*On the Optimization of the Defense and Security Systems*", George C. Marshall Center, 2000.

